

پیامدهای ریاست‌جمهوری فرانسوا اولاند بر روند واگرایی اروپا و روابط فرآتلانتیک

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۲۵۱۴

مردادماه ۱۳۹۱

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۳.....	اهمیت انتخابات فرانسه
۷.....	عوامل مؤثر در شکست سارکوزی و پیروزی اولاند
۱۲.....	ملاحظات و دیدگاه‌های اولاند
۱۹.....	عواقب و پیامدهای ریاست‌جمهوری اولاند
۲۵.....	تأثیرات بر سیاست خارجی
۲۹.....	نتیجه‌گیری
۳۱.....	پی‌نوشت‌ها



پیامدهای ریاست جمهوری فرانسوا اولاند بر روند واگرایی اروپا و روابط فرآتلانتیک

چکیده

وخامت اوضاع اقتصادی فرانسه و افزایش نارضایتی‌های عمومی در این کشور شکست جناح حاکم و پیروزی سوسیالیست‌ها در انتخابات ریاست جمهوری اخیر فرانسه را در پی داشت. پیروزی فرانسوا اولاند در این انتخابات به‌ویژه از حیث پیامدهایی که بر روندهای سیاسی و اقتصادی حاکم در اروپا خواهد داشت بسیار حائز اهمیت قلمداد شده است. به چالش کشیده شدن سیاست ریاضت اقتصادی مهمترین پیامد اروپایی پیروزی اوست. این امر مشکلات دولت‌های اروپایی برای اتخاذ سیاستی مشترک و مورد اجماع به‌منظور برون‌رفت از بحران اقتصادی جاری را افزایش خواهد داد. همچنین پیروزی اولاند می‌تواند میزان همراهی پاریس با سیاست‌های آمریکا را که در دوران سارکوزی به وجه غالب سیاست خارجی فرانسه تبدیل شده بود کاهش دهد.

مقدمه

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه و پیروزی حزب سوسیالیست در این کشور از مهمترین تحولات سیاسی اروپا در سال ۲۰۱۲ به حساب می‌آید. اهمیت این

پدیده نه تنها از حیث تأثیرش بر مسائل داخلی فرانسه، بلکه به لحاظ پیامدهای آن برای روندهای سیاسی و اقتصادی در کل اروپا قابل توصیف و تبیین است. بر همین اساس بسیاری از تحلیلگران نتایج انتخابات فرانسه را آغاز دوره جدیدی از تحولات فراگیر در کشورهای اروپایی قلمداد کرده‌اند. این امر ضرورت پرداختن به مسائل و مباحث مختلف این انتخابات را دوچندان می‌کند.

دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه درحالی برگزار شد که از مدت‌ها قبل پیش‌بینی می‌شد رقابت اصلی در این انتخابات میان «نیکلا سارکوزی» و «فرانسوا اولاند» باشد، این انتخابات روز ۲۲ آوریل (سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱) در ۸۵ هزار حوزه اخذ رأی در سراسر فرانسه و برخی کشورهای که شهروندان فرانسوی در آنها ساکن‌اند (نظیر برزیل، ایالت کبک کانادا و...) برگزار شد.

در این انتخابات علاوه‌بر اولاند از حزب سوسیالیست و سارکوزی از حزب اتحاد برای جنبش مردمی، هشت نامزد دیگر از احزاب مختلف حضور داشتند. با پایان شمارش آرا در دور اول انتخابات اعلام شد که فرانسوا اولاند کاندیدای حزب سوسیالیست با ۲۸/۶۳ درصد بیشترین آرا را به خود اختصاص داده و نیکولا سارکوزی با ۲۷/۱۸ درصد حائز مقام دوم شده است. بدین ترتیب این دو نامزد برای تعیین رئیس‌جمهوری فرانسه راهی دور دوم انتخابات شدند. نهایتاً در این دور از انتخابات، فرانسوا اولاند توانست در رقابتی نزدیک با سارکوزی با کسب ۵۱/۹ درصد از آرا در مقابل سارکوزی که ۴۸/۱ درصد آرا را به‌دست آورد به پیروزی برسد و به‌عنوان رئیس‌جمهوری جدید فرانسه معرفی شود.



اهمیت انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه سبب شد که این انتخابات از ابتدا به‌طور دقیق مورد توجه محافل و مراکز سیاسی و رسانه‌ای دنیا و به‌ویژه در اروپا قرار گیرد. به اعتقاد کارشناسان و تحلیلگران، نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه می‌تواند به‌ویژه در سطح کشورهای اروپایی تأثیرات مهمی برجای گذارد. با توجه به اهمیت موضوع، در این گزارش تلاش می‌شود تا ابعاد و زوایای مختلف مربوط به انتخابات اخیر فرانسه از جمله، عوامل پیروزی اولاند و نیز عواقب روی کار آمدن وی در سطوح داخلی و بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

اهمیت انتخابات فرانسه

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه، موضوع اهمیت داخلی و خارجی این انتخابات از جمله مهمترین محورهای مورد توجه رسانه‌ها و ناظران و کارشناسان سیاسی بود. پس از برگزاری دور اول انتخابات و اثبات موقعیت مناسب سوسیالیست‌ها برای راهیابی به کاخ الیزه، حجم مباحثات و مناظره‌ها درخصوص حساسیت انتخابات فرانسه افزایش پیدا کرد.

به‌طور کلی ناظران سیاسی موضوع اهمیت انتخابات فرانسه را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای (حوزه اروپا) و بین‌المللی مورد بحث قرار می‌دادند.

سطح داخلی

در سطح داخلی نتایج دور اول انتخابات نشان داد که حزب سوسیالیست این کشور توانسته موقعیت مناسبی برای ورود نامزد خود به کاخ الیزه پس از ۱۷ سال فراهم کند. این امر مؤید قدرت‌نمایی و قدرت‌یابی مجدد سوسیالیست‌ها در صحنه سیاست فرانسه بود و می‌توانست به معنای احیای دوره میتران در تاریخ فرانسه باشد.

از سوی دیگر نتایج دور اول انتخابات ضربه‌ای سنگین به موقعیت سیاسی نیکولا سارکوزی و حزب او محسوب می‌شد و شکست او در دور دوم نیز به یک معنا نشان می‌داد که وی غیرمحبوب‌ترین رئیس‌جمهوری فرانسه بوده است. شایان ذکر است در ۵۰ سال اخیر برای اولین بار بود که یک رئیس‌جمهوری در فرانسه نمی‌توانست در مرحله اول انتخابات در صدر آرا قرار گیرد.

به‌طور کلی شکست سارکوزی و پیروزی اولاند در انتخابات فرانسه از بروز تغییراتی چشمگیر در عرصه سیاسی این کشور و نیز روند سیاستگذاری‌های کلان فرانسه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکایت داشت، زیرا اولاند از زمان آغاز مبارزات انتخاباتی و به‌ویژه در مبارزات دور دوم انتخابات به‌طور مرتب بر تغییر سمت و سوی سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در فرانسه تأکید کرده بود.

سطح منطقه‌ای

در سطح اروپا، قدرت‌یابی سوسیالیست‌ها نگرانی بسیاری از مقامات سیاسی را برمی‌انگیخت. پیروزی اولاند، ائتلاف محافظه‌کار سارکوزی، آنجلا مرکل صدر اعظم



آلمان و دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس را که در جریان بحران اقتصادی، اروپا را رهبری کرده و تصمیمات «مرگ و زندگی» می‌گرفتند را در هم می‌شکست.^(۱)

همچنین نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه با توجه به آنکه این کشور دومین اقتصاد منطقه یورو و طبعاً دومین کشور اروپایی در تأمین بودجه اتحادیه اروپا و بودجه طرح‌های نجات اقتصادی بود برای اروپایی‌ها اهمیت داشت. فرانسه دومین کشور مشارکت‌کننده در تأمین بودجه اتحادیه اروپاست به طوری که این کشور در سال ۲۰۱۱، ۱۹ میلیارد یورو به این اتحادیه برای تأمین بودجه‌اش اعطا کرد. از نظر اقتصادی ۱۴ درصد کل تولید ناخالص داخلی اروپا مربوط به فرانسه است که در منطقه یورو بعد از آلمان دومین اقتصاد به حساب می‌آید. با توجه به همین اصل، فرانسه دومین تأمین‌کننده پول برای بانک مرکزی اروپاست. همچنین فرانسه بعد از آلمان دومین کشوری است که بیشترین سهم را در تأمین وام مورد نیاز برای کشورهای با بنیه مالی ضعیف اروپا داشته است.^(۲)

از سوی دیگر دیدگاه‌های مختلف و متفاوت سارکوزی و اولاند نسبت به سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال بحران اقتصادی این قاره اهمیت انتخابات فرانسه را دوچندان می‌کردند، زیرا از نظر کارشناسان و صاحب‌نظران با توجه به موقعیت محوری پاریس در روند تعیین سیاست‌ها و راهبردهای اروپایی، پیروزی هریک از این دو نامزد می‌توانست تأثیری شگرف بر تصمیمات کنونی اروپا در قبال بحران اقتصادی برجای گذارد.

درحالی که نیکولا سارکوزی مدافع تداوم سیاست‌های ریاضتی برای مقابله با این بحران بود و می‌پنداشت که فرانسه، تجربه و جهت‌گیری خود در قبال این بحران را تغییر ندهد، اولاند تغییر پیمان مالی اتحادیه اروپا در مورد ثبات بودجه‌ای را

به‌منظور سوق دادن بیشتر آن به سمت رشد اقتصادی مطالبه می‌کرد.^(۳) به‌طور کلی اولاند با سیاست‌های ریاضتی مورد حمایت سارکوزی مخالف بود و از این‌رو بسیاری از مقامات اروپایی بیم آن داشتند که پیروزی اولاند در انتخابات فرانسه فروپاشی سیاست‌ها و راهبردهای کنونی اتحادیه اروپا در برخورد با بحران مالی این قاره را در پی داشته باشد.

سطح بین‌المللی

در سطح بین‌المللی، انتخابات فرانسه از حیث تأثیر بر سیاست خارجی این کشور از اهمیت فراوان برخوردار است. بسیاری از کارشناسان، سیاست خارجی سارکوزی را از دیدگاه مشارکت در طرح‌های آمریکا در افغانستان و... و نیز دخالت نظامی در لیبی، ماجراجویانه و پرهزینه می‌دانستند. از این‌رو این پیش‌بینی وجود داشت که روی کار آمدن اولاند تأثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی این کشور داشته باشد. به‌ویژه آنکه نامزد سوسیالیست‌ها در دوران مبارزات انتخاباتی وعده خروج نظامیان فرانسوی از افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۲ را داده بود. از نظر برخی کارشناسان، پیروزی اولاند می‌توانست سیاست خارجی رادیکال فرانسه در دوران سارکوزی را تعدیل کند.

اهمیت بین‌المللی انتخابات فرانسه از جهات دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته بود. در آستانه برگزاری این انتخابات، برخی کارشناسان پیش‌بینی می‌کردند که پیروزی اولاند تأثیری منفی بر روند ترمیم و بازیابی اقتصادی اتحادیه اروپا برجای خواهد گذاشت. کند شدن روند ترمیم اقتصادی اتحادیه اروپا بر روند بازیابی اقتصادی



آمریکا نیز تأثیری منفی برجای می‌گذارد. این درحالی است که موضوع ترمیم و بازیابی اقتصادی در قلب مبارزات انتخاباتی کاندیداهای ریاست‌جمهوری آمریکا نیز قرار دارد. باراک اوباما در سال ۲۰۰۸ با موضع‌گیری علیه سیاست‌های اقتصادی سلف خود وارد کارزار انتخابات شد. اگر اقتصاد آمریکا همچون آن دوره ضعیف باقی بماند، اوباما اعتبار خود را از دست داده و «میت رامنی» نامزد جمهوریخواهان از این موضوع در مخالفت با اوباما استفاده کرده و شانس پیروزی خود را افزایش خواهد داد.^(۴) به همین دلیل موضوع انتخابات فرانسه به دلیل تأثیری که می‌توانست بر روند ترمیم اقتصادی اتحادیه اروپا و برخی کشورهای غربی مثل آمریکا برجای گذارد اهمیت بین‌المللی مضاعفی پیدا کرد.

عوامل مؤثر در شکست سارکوزی و پیروزی اولاند

ناکامی سارکوزی در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر فرانسه و پیروزی فرانسوا اولاند در این انتخابات از عوامل مختلفی سرچشمه می‌گیرد. این عوامل در سطوح مختلفی قابل دسته‌بندی‌اند. برخی نشئت گرفته از شرایط اقتصادی و اجتماعی جاری فرانسوی‌هایی‌اند که درخواست برای تغییر وضعیت را افزایش می‌دادند. بعضی دیگر از عوامل با رویگردانی عمومی از سیاست‌ها و راهبردهای سارکوزی برای مواجهه با مشکلات اقتصادی و نیز اقبال عمومی به وعده‌ها و برنامه‌های اعلامی اولاند مرتبط‌اند. سرانجام برخی تحلیلگران، محرکه‌های سطح خرد همچون عوامل شخصیتی و رفتاری دو کاندیدای اصلی در تعیین سرنوشت انتخابات را مورد توجه قرار می‌دهند.

۱. وخامت اوضاع اقتصادی فرانسه

به‌طور طبیعی نابسامانی اوضاع اقتصادی و اجتماعی از جمله محرکه‌های مهم و اصلی در گرایش مردم به تغییر در هر کشور است. اگر این گرایش در آستانه برگزاری انتخابات تقویت شود، نتیجه، تغییر سیاستمداران و مسئولان مستقر و روی کار آمدن رهبران جدید است. اوضاع عمومی فرانسوی‌ها در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری تقاضا برای تغییر را در میان آنها تقویت کرده بود.

به‌طور کلی بحران اقتصادی جاری در فرانسه و افزایش ناراضی‌گری از اوضاع معیشتی و اقتصادی از عوامل مؤثر در کاهش حمایت عمومی از سارکوزی بود. نرخ بیکاری در نتیجه توقف رشد اقتصادی به شدت بالاست، مخارج دولت که ۵۶ درصد از تولید ناخالص داخلی را دربرمی‌گرفت بیشتر از هر کشور دیگری در منطقه یورو بود و بدهی کشور که قبلاً ۹۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد سیر صعودی داشت. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده بود که کسری بودجه فرانسه ۳/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور باشد. این وضعیت نابسامان اقتصادی که موجبات سخت‌تر شدن شرایط زندگی شهروندان فرانسوی را فراهم کرد از مهمترین دلایل کاهش آرای سارکوزی بود.

به‌طور کلی آمار و ارقام حاکی از آن بودند که میزان بیکاری و بدهی‌های دولتی فرانسه در دوران سارکوزی تحت تأثیر بحران اقتصادی افزایش پیدا کرده است. در ژانویه ۲۰۱۲ تعداد بیکاران در فرانسه به ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر رسیده بود. ضمن آنکه در پایان سال ۲۰۱۱ بدهی‌های فرانسه بالغ بر ۱۷۱۷ میلیارد یورو (۸۵ درصد



تولید ناخالص داخلی) بود. نظرسنجی‌ها حکایت از آن داشتند که قدرت خرید پایین مردم و افزایش بیکاری دو نگرانی اصلی رأی‌دهندگان در آستانه انتخابات بوده‌اند.^(۵) این نگرانی‌ها از عوامل اصلی رویگردانی مردم از سارکوزی بودند که در نهایت موجبات شکست او را در انتخابات فراهم ساختند.

نکته مهم دیگر که در شکست سارکوزی تأثیر بسزایی داشت به ناتوانی وی در برآورده ساختن وعده‌هایی مربوط می‌شود که در سال ۲۰۰۷ به مردم داده بود. بسیاری از کارگران و جوانان فرانسوی پنج سال پیش با وعده «پول بیشتر برای کار بیشتر» به وی رأی داده بودند، اما شرایط فرانسه از نظر نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۲ در بدترین وضعیت طی ۱۲ سال اخیر بوده است. ازسوی دیگر سارکوزی در سال ۲۰۰۷ با وعده کوچک کردن دولت که به شدت رشد پیدا کرده بود روی کار آمد، اما کار خاصی در این زمینه انجام نداد. ضمن آنکه فرانسه به‌عنوان پنجمین اقتصادی بزرگ جهانی به رکورد دهی ۱/۷ تریلیون یورویی (۲/۲۴ تریلیون دلار) رسیده است که حدود ۵۰۰ میلیارد یورو بیشتر از سال ۲۰۰۷ که سارکوزی قدرت را به دست گرفت می‌شود.^(۶) از این رو محقق نشدن وعده‌های پیشین سارکوزی درخصوص تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی از جمله دلایل شکست او در انتخابات بود.

۲. ناخرسندی از سیاست‌های سارکوزی و استقبال از وعده‌های اولاند

راهبردها و سیاست‌های نیکلا سارکوزی برای مواجهه با بحران اقتصادی فرانسه و اروپا نتوانست توجه و اعتماد مردم این کشور را جلب کند. در پیش گرفتن سیاست

ریاضت اقتصادی^۱ از سوی سارکوزی، افزایش نارضایتی‌ها در میان مردم را در پی داشت. این سیاست عملاً رشد را متوقف کرد و به بیکاری دامن زد.^(۷)

به‌طور کلی آنچه بیش از همه موجبات رویگردانی مردم فرانسه از نیکلا سارکوزی را فراهم ساخت به مجموعه سیاست‌های اقتصادی او مربوط می‌شود که از نظر مردم در راستای حمایت از ثروتمندان و سرمایه‌داران بود تا افراد عادی. سیاست‌های سارکوزی از او به‌عنوان یک رهبر محافظه‌کار، تصویری ایجاد کرد که براساس آن بسیاری از فرانسوی‌ها وی را تنها «رئیس‌جمهور ثروتمندان» می‌دانستند. در این میان تأکید سارکوزی بر تداوم سیاست‌های ریاضتی، روند رویگردانی مردم از وی را تشدید کرد. به‌طور همزمان ماجراجویی‌های سارکوزی در عرصه سیاست خارجی از جمله دخالت نظامی در لیبی و نیز تبعیت از سیاست‌های آمریکا در نظام بین‌الملل که با هزینه مردم فرانسه به انجام می‌رسید به‌طور فزاینده‌ای سطح نارضایتی‌های عمومی از سیاست‌های وی را در داخل فرانسه افزایش می‌داد.

در مقابل، فرانسوا اولاند با بهره‌برداری از ضعف‌های مشهود در عملکرد دولت سارکوزی و دادن وعده تغییر در وضعیت زندگی و معیشت شهروندان فرانسه توانست توجهات را به خود جلب کرده و در مرحله اول انتخابات بیشترین آرا را به خود اختصاص دهد. وی دوران ریاست‌جمهوری سارکوزی را موجب ایجاد تفرقه و پراکندگی در فرانسه دانست و قول داد که بار دیگر این کشور را متحد کند. اولاند با نشان دادن اوضاع بد اقتصادی فرانسوی‌ها و دادن وعده‌هایی چون ایجاد اصلاحات



مالیاتی و بانکی، استخدام معلمان، ایجاد ۶۰ هزار فرصت شغلی در حوزه آموزش و پرورش، به صفر رساندن کسری بودجه در سال ۲۰۱۷، افزایش مالیات ثروتمندان و افزایش رشد اقتصادی توانست بیشترین آرا را در مرحله اول به خود اختصاص دهد و با تأکید بر همین وعده‌ها و نوید زندگی بهتر برای فرانسوی‌ها در دور دوم انتخابات نیز به پیروزی برسد. ترسیم چنین تصویری از آینده فرانسه توضیح‌دهنده بخش عمده‌ای از دلایل اقبال مردم این کشور به اولاند در انتخابات ریاست‌جمهوری است. همچنین برخی وعده‌های اولاند در عرصه سیاست خارجی از جمله خروج نیروهای نظامی فرانسه از افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۲ این امیدواری را نزد افکار عمومی ایجاد می‌کرد که وی در مسائل بین‌الملل به دنبال تعدیل مواضع افراطی است که در دوره سارکوزی پیگیری می‌شد. تقویت این تصور نیز از جمله عوامل مؤثر در افزایش اقبال عمومی نسبت به نامزد سوسیالیست‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه بود.

۳. تأثیر عوامل شخصیتی

واقعیات زندگی شخصی سارکوزی از جمله تجمل‌گرایی مفرط او و روابط نزدیک و صمیمی‌اش با سرمایه‌داران بزرگ، احساس وجود فاصله میان مردم عادی با او را شدت بخشید. درحالی که مردم فرانسه گرفتار مشکلات معیشتی و معضلاتی چون بیکاری بودند رسانه‌های این کشور همه روزه تصاویری از رفتارها و زندگی تجملاتی سارکوزی را پخش می‌کردند و این امر بر نارضایتی‌های مردمی از وی می‌افزود.

در مقابل، اولاند از نظر طیفی از مردم فرانسه سیاستمداری بی‌آلایش و در عین حال وفادار به حزب سوسیالیست بود. وی یکباره به سخنرانی خوب تبدیل شد که می‌توانست در تجمعات و گردهمایی‌های بزرگ با توده‌ها ارتباط برقرار کند. در این میان برپایی مناظره تلویزیونی میان اولاند و سارکوزی به مردم کمک کرد تا بیش از پیش با ویژگی‌های شخصیتی دو نامزد اصلی انتخابات ریاست‌جمهوری کشورشان آشنا شوند. روزنامه‌نگاران و خبرنگاران اجماع نظر دارند که این مناظره‌ها مهیج‌ترین مناظره از زمان رویارویی «فرانسوا میتران» با «والری ژیسکاردستن» در سال ۱۹۷۴ بود. برای بسیاری از مخاطبان، تقابل میان سارکوزی و اولاند که شخصیت‌های کاملاً متفاوتی داشتند جذابیت زیادی داشت. از نظر آنها اولاند در این مناظره‌ها شخصیتی آرام از خود به نمایش گذاشت درحالی که سارکوزی شخصیتی پرخاشگر، بی‌پروا و گاهی توهین‌کننده پیدا می‌کرد.^(۸) به همین دلیل برخی کارشناسان معتقدند که این مناظره به واسطه ارائه تصویری مثبت از شخصیت اولاند و منفی از شخصیت سارکوزی تأثیر بسزایی در افزایش گرایش‌ها به سمت نامزد حزب سوسیالیست در انتخابات داشت.

ملاحظات و دیدگاه‌های اولاند

فرانسوا اولاند رئیس‌جمهوری جدید فرانسه در دوران مبارزات انتخاباتی و پس از آن درخصوص مسائل فرانسه و اتحادیه اروپا دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرد که از نظر کارشناسان درصورت عملیاتی شدن می‌تواند تأثیرات داخلی و خارجی قابل توجهی را به دنبال داشته باشد. هرگونه پیش‌بینی درخصوص آینده فرانسه و اروپا



نیازمند توجه به این دیدگاه‌هاست.

برخی از مهمترین مسائل فرانسه و اروپا را که در ملاحظات و سیاست‌های اعلامی اولاند بیش از سایر موضوعات مورد تأکید قرار گرفته‌اند می‌توان به شرح ذیل مورد اشاره قرار داد.

۱. راهکار مبارزه با بحران اقتصادی

در مقابل سیاست ریاضت اقتصادی و صرفه‌جویی‌های کلان در همه زمینه‌ها، از صرفه‌جویی در خدمات و تأمین‌های اجتماعی گرفته تا صرفه‌جویی در میزان حقوق و دستمزدها، فرانسوا اولاند بهترین راه برای خروج از بحران اقتصادی در فرانسه و اروپا را بازسازی صنایع کشور، تقویت قدرت خرید مردم، سرمایه‌گذاری‌های هرچه بیشتر در مراکز تحقیق و پژوهش و نوآوری در تولیدات و در یک کلام تأکید بر «رشد» و نه «صرفه‌جویی» می‌داند. وی اندکی پس از پیروزی‌اش در انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه در سخنانی تأکید کرد که ریاضت، سرنوشت اروپا نیست، او اعلام کرده است که برای حل بحران کنونی قصد دارد به‌منظور ایجاد فضای تنفس بیشتر برای کشورهای که هنوز می‌توانند در نرخ‌های معمول پول قرض بگیرند. پیمان مالی اروپا را مجدداً مورد بحث و مذاکره قرار دهد.^(۹) به‌طور کلی برنامه‌های اقتصادی مد نظر اولاند برای خروج از بحران بیشتر شامل اصلاحات و سرمایه‌گذاری‌های دولتی است که البته با سیاست‌های ریاضتی مد نظر مرکل صدر اعظم آلمان متفاوتند.

۲. همگرایی اروپا

یکی از مهمترین موانع تسریع در روند همگرایی اروپا در طول چند دهه گذشته، تغییر رهبران و تصمیم‌گیران در کشورهای اروپایی بوده است. میزان حمایت و همراهی با روند همگرایی از موضوعاتی است که جناح‌ها و احزاب داخلی کشورهای عضو اتحادیه درباره آن اجماع ندارند. همین موضوع باعث شده است که با تغییر رهبران و کادر تصمیم‌گیری یک کشور عضو اتحادیه اروپا، شاهد تغییر در رویکرد آن کشور نسبت به روند همگرایی باشیم. موضع‌گیری اخیر مرکل صدر اعظم آلمان به خوبی بیانگر این موضوع است. وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر مخالفت اولاند با پیمان مالی اتحادیه اروپا، گفته است اگر قرار باشد پس از هر انتخاباتی، از ابتدا راجع به مسائل اتحادیه اروپا بحث و توافق کنیم، این اتحادیه با مشکل مواجه خواهد شد.

برخی کارشناسان مخالفت اولاند با طرح ریاضت اقتصادی یا پیمان مالی اروپا را مانعی برای همگرایی اتحادیه اروپا ارزیابی کرده‌اند. بجز تصمیمات و سیاست‌های جاری، نظرات اولاند در مورد مسائل ساختاری اتحادیه اروپا نیز قابل توجه است. اگرچه در نظر وی مرکز اصلی تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا همچنان شورای اروپاست،^۱ اما وی متد «جامعه»^۲ را نیز نادیده نمی‌گیرد. اولاند وعده داده است که مشارکت بیشتر کمیسیون اروپا^۳ و پارلمان اروپا^۴ در فرآیند تصمیم‌گیری اتحادیه

1. European Council

2. Community Method

3. European Commission

4. European Parliament



اروپا را تأمین کند. او بر معضل «کسری دمکراسی»^۱ که باید با ترکیب وظایف رؤسای کمیسیون و شورای اروپا، از طریق انتخاب مستقیم رئیس کمیسیون اروپا توسط نمایندگان پارلمان اروپا با افزایش نقش پارلمان‌های ملی حل شود تأکید دارد.^(۱۰) لازم به ذکر است که مفهوم «کسری دمکراسی» در داخل اتحادیه اروپا مبتنی بر این تفکر است که نهادهای این اتحادیه فاقد عناصری چون پاسخگویی و مشروعیت دمکراتیک‌اند. در واقع کسانی چون اولاند معتقدند که روندها و فرآیندهای تصمیم‌گیری و عملکرد اتحادیه اروپا روندهای دمکراتیک نیستند و به شدت نیازمند اصلاح‌اند. برخی کارشناسان این بخش از نظرات اولاند را به منزله بروز چالش‌های بیشتر در روند همگرایی اروپا به حساب می‌آورند.

سیاست‌های داخلی

به‌طور کلی اولاند در حوزه سیاست داخلی (اعم از اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) ملاحظات مختلفی را مطرح کرده است که برخی از مهمترین آنها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

- ایجاد اشتغال به‌ویژه برای جوانان از جمله استخدام سالیانه ۳۰۰ هزار جوان بیکار از طریق کاهش هزینه‌های اشتغال و کمک‌های دولتی، بهبود آموزش و پرورش و استخدام سالیانه ۱۲ هزار پرسنل آموزشی و اداری اضافی و بهبود وضع مدارس. به‌طور کلی سوسیالیست‌ها اعتقاد دارند اصلاح نظام آموزشی کشور و آموزش مهارت‌های حرفه‌ای برای حل مسئله بیکاری و احیای اقتصاد فرانسه به یک ضرورت

حیاتی تبدیل شده است.

- وضع مالیات بیشتر برای شرکت‌های بزرگ.

- افزایش تصاعدی مالیات بر درآمد شهروندانی که بیش از ۱۵۰ هزار یورو در سال درآمد دارند. به طوری که به درآمد سالیانه بیش از ۱ میلیون یورو، ۷۵ درصد مالیات تعلق خواهد گرفت.

- افزایش مالیات بر ثروت و ارث.

- کاستن از بدهی‌های دولت فرانسه.

- تشویق و رونق بخشیدن به شرکت‌های کوچک که بیشترین شمار شاغلان را در برمی‌گیرند.

- اخلاقی کردن سیاست و شئون قدرت سیاسی از طریق افزایش نظارت رسانه‌ها و دستگاه قضایی که باید کاملاً از هرگونه اعمال نفوذ دولت خارج شوند و نیز تصویب قوانین نوینی که دست دادگستری را برای مبارزه با فساد و جلوگیری از اعمال نفوذ حکومت‌گران باز گذارد.

- کاهش بودجه‌های نظامی.

- کاهش تدریجی رآکتورهای هسته‌ای و جانشین کردن صنایع تولید انرژی‌های پاکیزه از طریق تبدیل انرژی آفتاب، باد و امواج دریا به الکتریسیته.^(۱۱)

سیاست خارجی

تمرکز جدی اولاند بر موضوع بحران اقتصادی فرانسه و اروپا سبب شده است که وی در حوزه سیاست خارجی ورود کمتری پیدا کند و شمار موضع‌گیری‌هایش در



این حوزه چندان زیاد نباشد. با این حال موضع وی در قبال افغانستان در دوره مبارزات انتخاباتی مبنی بر خروج نظامیان فرانسوی از این کشور تا پایان سال ۲۰۱۲ به طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت و به‌عنوان نشانه‌ای از فاصله گرفتن فرانسه از آمریکا در صورت پیروزی اولاند معرفی شد. هرچند که وی پس از پیروزی در انتخابات و ورود به کاخ الیزه اعلام کرد که این موضوع به معنای پایان همکاری فرانسه با افغانستان نخواهد بود.

در سطح اتحادیه اروپا، اولاند تأکید کرده است که همکاری با آلمان برای او اهمیت کلیدی دارد، اما وی این روابط را به‌صورت بسیار نزدیک و مافوق دیگر روابط رد می‌کند و استقبال فرانسه را از توسعه روابط با دیگر کشورهای اتحادیه اروپا (همچون اسپانیا، ایتالیا و لهستان) اعلام می‌دارد.^(۱۲)

درخصوص اتحادیه ناتو، اقدام نیکولا سارکوزی در بازگرداندن فرانسه به همه ساختارها و سطوح فرماندهی ناتو مورد انتقاد اولاند قرار گرفته است. فرانسه در سال ۱۹۶۵ از ساختارهای نظامی ناتو خارج شده بود. اولاند گفته بود که بازگشت به ناتو باید تابع شرایطی باشد. از این رو پیش از برگزاری دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه پیش‌بینی می‌شد که به قدرت رسیدن احتمالی اولاند دست‌کم در کوتاه‌مدت مناسبات تنگاتنگ فرانسه در دوران سارکوزی با اتحادیه ناتو و آمریکا را تا حدودی تحت تأثیر قرار دهد و در سیاست خارجی وی مؤلفه‌هایی از سیاست‌های مستقل فرانسه در دوران پس از ژنرال دوگل در آن برجسته شود.

البته اولاند پس از پیروزی در انتخابات با شرکت در اجلاس ناتو در شیکاگو به دفاع از طرح سپر موشکی ناتو پرداخت و حتی اعلام کرد روسیه و دیگر کشورها

نباید از سیستم دفاع موشکی ناتو احساس تهدید کنند. با این حال وی چهار شرط را برای حمایت فرانسه از این طرح اعلام کرد. این چهار شرط مربوط به هزینه، قواعد مشارکت، حمایت صنعتی از پیمانکاران اروپایی و قابلیت انطباق با بازاریابی هستند.^(۱۳)

در قبال تحولات اخیر منطقه خاورمیانه خصوصاً موضوع سوریه لحن سارکوزی و وزرای دولت او بیش از پیش به سوی تهدیداتی فراتر از تحریم‌ها معطوف بود. در این راستا آنها حتی از احتمال اقدام نظامی علیه سوریه نیز سخن گفته و لزوم ایجاد «کریدور انسانی» را مطرح می‌کردند. در مقابل، هرچند که اولاند در دوران مبارزات انتخاباتی بیشتر بر اجرای طرح «کوفی عنان» در سوریه تأکید می‌کرد، اما پس از انتخابات با تأکید بر اینکه نمی‌تواند نسبت به کشتار مردم سوریه توسط دولت بشار اسد ساکت بماند اعلام کرد که احتمال مداخله نظامی در سوریه را رد نمی‌کند.^(۱۴) اولاند همچنین در موضعگیری دیگری کنار رفتن اسد از قدرت را راه حل پایان بحران در سوریه دانست. وی این راه حل را پیش شرط «گذار سیاسی» در سوریه عنوان کرد.^(۱۵)

اما در مورد ایران، اولاند در دوران مبارزات انتخاباتی و پس از آن اقدام به اتخاذ برخی مواضع خاص کرده است. وی پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در جریان بازدید از موزه هولوکاست در پاریس مدعی شد که سیاست‌های ایران موجب نگرانی است. وی پیش از انتخاب به عنوان رئیس جمهوری فرانسه در اولین اظهار نظر در خصوص برنامه هسته‌ای ایران از پایبندی فرانسه به تعهد خود در مورد



پرونده هسته‌ای ایران سخن گفته بود. وی اظهار داشت اعتراف نمی‌کنم که ایران به‌طور کامل از حقوق هسته‌ای خود در جهت صلح‌آمیز استفاده می‌کند و در عین حال به‌طور کامل استفاده از این فناوری برای بهره‌گیری نظامی را تأیید نمی‌کنم. اولاند همچنین در مصاحبه‌ای با «جین ماری» سردبیر سابق لوموند اعلام کرد انتقادی از «موضع سرسختانه» سارکوزی درباره سیاست اشاعه تسلیحات کشتار جمعی از سوی ایران ندارد. وی گفت این سیاست را با همین قدرت و عزم راسخ تأیید می‌کند و اینکه تحریم‌ها مادامی که ضرورت داشته باشند باید تقویت شوند. اولاند در عین حال تأکید کرد هنوز دستیابی به اهداف مورد علاقه از طریق مذاکرات امکانپذیر است.^(۱۶) از سوی دیگر تداوم فعالیت نماینده فرانسه در گروه ۵+۱ پس از پیروزی اولاند در انتخابات و حضور وی در مذاکرات مسکو از عدم تغییری خاص در سیاست‌های کلان پاریس در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد.

عواقب و پیامدهای ریاست‌جمهوری اولاند

از ابتدای حضور اولاند در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه و به‌ویژه پس از پیروزی وی در دور اول انتخابات، گمانه‌زنی‌های فراوانی درخصوص عواقب و نتایج کوتاه و بلندمدت انتخاب اولاند به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید فرانسه به انجام رسید. با برگزاری دور دوم انتخابات و پیروزی قطعی وی در انتخابات میزان این گمانه‌زنی‌ها افزایش قابل توجهی یافت. با توجه به برخی مواضع و ملاحظات خاص اولاند درخصوص مسائلی چون بحران اقتصادی اروپا، موضوع همگرایی اروپا و...

پیش‌بینی می‌شد که قدرتیابی اولاند پیامدهای داخلی و خارجی قابل توجهی را به همراه داشته باشد. مهمترین این پیامدها را که برخی از آنها ماهیتی بالقوه دارند می‌توان به شرح ذیل مورد اشاره قرار داد:

۱. تضعیف سیاست ریاضت و تشدید اختلاف بر سر راهکار برون‌رفت از بحران

اولین پیامد روی کار آمدن اولاند که بیش از همه مورد توجه قرار گرفت موضوع به چالش کشیدن سیاست ریاضت به‌عنوان راهبرد مورد توافق اروپایی‌ها برای خروج از بحران بود. اولاند از ابتدا گفته بود که قصد دارد مسیر جدیدی را به اروپا معرفی کند.^(۱۷) این راهکار جدید همان تأکید بر رشد اقتصادی بود که در مقاطع مختلف مورد تأکید اولاند قرار گرفت. وی از ابتدا اعلام کرد در سیاست‌های ریاضت اقتصادی اتحادیه اروپا اصلاحاتی انجام خواهد داد. او اعتقاد دارد موافقتنامه مالی که به‌منظور رفع بحران بدهی در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا توصیه شده باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

اولاند در دوران مبارزات انتخاباتی تأکید کرد که به محض ورود به کاخ الیزه، در مورد پیمان انضباط بودجه‌ای که به آن انتقاد دارد مذاکره خواهد کرد. وی تأکید دارد راه‌های افزایش رشد اقتصادی باید در پیمان مالی اروپا مورد توجه قرار گیرد.

در مجموع نگاه متفاوت اولاند نسبت به راه‌های برون‌رفت از بحران اقتصادی اروپا موجبات به چالش کشیده شدن طرح ریاضت اقتصادی و سازوکارهایی چون پیمان مالی اروپا را که توسط سارکوزی و مرکل تدوین شده بود فراهم ساخته است.



این امر مشکلات فراروی اروپایی‌ها برای انتخاب بهترین گزینه به‌منظور مقابله با بحران موجود را افزایش خواهد داد و در نتیجه روند حل‌وفصل این بحران را با چالش‌های بیشتری مواجه خواهد کرد.

۲. تضعیف موقعیت رهبری آلمان در اروپا

آلمان به‌عنوان قدرت اول اقتصادی در اروپا نقش مهمی در تعیین معادلات و مناسبات مالی و اقتصادی این قاره دارد. کما اینکه سیاست ریاضت اقتصادی و پیمان مالی اروپا به ابتکار آلمان و صدر اعظم آن به‌عنوان نسخه‌ای برای خروج از بحران جاری در اروپا تجویز شد. در این میان همراهی و حمایت نیکلا سارکوزی رئیس‌جمهوری سابق فرانسه نقش مؤثری در تثبیت نقش رهبری آلمان در مقابله با بحران اقتصادی اروپا داشت. اما با روی کار آمدن اولاند و اعلام مخالفت وی با سیاست‌های مرکل این نقش به چالش کشیده شد. درواقع، تعهد اولاند به مذاکره درباره یک پیمان جدید درباره منطقه آسیب‌دیده یورو ظاهراً استیلاي مرکل بر این بحث را به چالش کشیده و فرانسه را به‌عنوان قهرمان یک جنبش بزرگ مردمی که دیگر برای همراهی با تهدیدات فراروی استانداردهای زندگی مناسب، آمادگی ندارند مطرح کرده است.^(۱۸)

یکی از پیشنهادهای اولاند برای مقابله با بحران اقتصادی اروپا انتشار اوراق قرضه یورو بود که به اعتقاد بسیاری از اقتصاددان‌ها و سیاستگذاران می‌تواند از مؤثرترین راه‌ها برای احیای اعتماد بازارهای مالی باشد. اما مرکل معتقد نیست که انتشار اوراق قرضه مشترک منطقه یورو که به بانک مرکزی اروپا نقش مهمتری

نسبت به سیاست‌های بانک مرکزی آلمان می‌دهد راهکار مناسبی برای برون‌رفت از بحران باشد. با این حال پیش‌بینی شده است که مرکل نتواند در برابر این پیشنهاد مقاومت زیادی کند، زیرا در جریان اجلاس اخیر گروه هشت، نه تنها فرانسوا اولاند در حمایت از اوراق قرضه یورو به طرح استدلال پرداخت، بلکه «ماریو مونتی» نخست‌وزیر تکنوکرات ایتالیا و «دیوید کامرون» نخست‌وزیر انگلیس که فردی محافظه‌کار و طرفدار سیاست ریاضت است نیز از این ایده حمایت کردند.^(۱۹) به همین دلیل وی به تدریج مجبور شد که نه تنها در مورد سیاست «باثبات‌سازی»^۱ که مورد تأکید اولاند بود، بلکه همچنین در مورد «رشد» و «اشتغال» هم وارد گفتگو شود.

به‌طور کلی، اولاند موفق شد که عناصر جدیدی را به‌ویژه در ارتباط با مبارزه با بحران اقتصادی وارد گفتمان اتحادیه اروپا کند. او یک پیام قوی را صادر و امیدهای اجتماعی را در سراسر اروپا برانگیخت که در طرح‌های ارائه شده از سوی آلمان‌ها وجود نداشت. مرکل مجبور شد در برابر پیشنهادهای اولاند موضع دفاعی بگیرد و بدین ترتیب رهبری او در اتحادیه اروپا زیر سؤال رفت.^(۲۰)

۳. تضعیف همگرایی و تشدید واگرایی در اتحادیه اروپا

بحران مالی و اقتصادی اخیر در اروپا سؤالات مهمی را درخصوص عملکرد اتحادیه اروپا ایجاد کرده است. بحران در حوزه یورو ثابت کرد که اتحادیه اروپا مشکلات و تعارضات فراوانی در خود دارد. منتقدان معتقدند که گویا این اتحادیه برای دوره‌های

1. Stabilization



رونق و رشد برپا شده و در مواقع بروز بحران‌های حاد، ماهیت وجودی خود را از دست می‌دهد. تقویت احساسات ناسیونالیستی، تضعیف رویکردهای منطقه‌گرایی، گسترش رفتارهای افراطی و همچنین تضعیف مبانی شکل‌دهنده اتحادیه اروپایی و متعاقب آن گسترش اختلافات درون اتحادیه‌ای به‌ویژه میان کشورهای مؤثر اتحادیه یعنی، آلمان، فرانسه و بریتانیا به‌عنوان مهمترین پیامدهای بحران یورو که بیش از پیش به واگرایی در اتحادیه اروپا انجامیده است، مسائلی نیستند که بتوان به‌راحتی از آنها عبور کرد، زیرا کل اتحادیه را با خطر فروپاشی مواجه ساخته‌اند.

در این بین ظهور اولاند در فرانسه اساساً از مهمترین پیامدهای بحران در اروپا بوده است. برخی کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که برنامه‌های سیاسی و اقتصادی اولاند که برگرفته از اندیشه‌های سوسیالیستی وی است به ایجاد تنش در اروپا کمک خواهد کرد، زیرا اصولاً اروپا با سوسیالیست‌ها میانه خوبی ندارد. تکیه اولاند بر سیاست‌های خاص خود از جمله تأکید بر مزایای اجتماعی، ایجاد مشاغل بیشتر و برگرداندن سن بازنشستگی به ۶۰ سال که دقیقاً مغایر سیاست‌های اروپایی و معاهده پولی اروپاست می‌تواند لطمه بزرگی به این اتحادیه وارد کند.^(۳۱) اخیراً کمیسیون اروپا اعلام کرده که اتحاد پولی این قاره در خطر فروپاشی است.^(۳۲) این امر می‌تواند به کل اتحادیه اروپا سرایت کرده و در نتیجه موجبات تقویت روندهای واگرایانه در این اتحادیه را فراهم سازد.

۴. تضعیف دولت‌های محافظه‌کار مستقر و تقویت چپ‌ها در اروپا

پیروزی اولاند در انتخابات فرانسه از حزب سوسیالیست، حکومت‌های راست‌گرا در کل اروپا را مشوش کرد و در عین حال به رقبای چپ میانه آنها جسارت بخشید و

آنها را امیدوار ساخت که پیروزی یک رهبر سوسیالیست نشانه خیزشی مجدد در سطحی وسیع‌تر باشد. به‌طور کلی پیروزی اولاند در انتخابات فرانسه به نیروهای اپوزیسیون در سراسر اروپا جان دوباره‌ای بخشید. در همین ارتباط «زیگمار گابریل» رئیس گروه اپوزیسیون سوسیال دمکرات‌ها در آلمان پس از اعلام نتایج فرانسه اعلام داشت که پیروزی اولاند نه تنها فرانسه را تغییر خواهد داد، بلکه در نهایت به اروپا کمک خواهد کرد که مسیر دیگری را بپیماید. خود اولاند نیز پس از پیروزی در انتخابات خطاب به جمعیتی که به سخنرانی وی گوش می‌دادند اعلام کرد که اکنون شما جنبشی هستید که در کل اروپا و شاید در کل جهان در حال ظهور است.^(۲۳)

بر همین اساس بسیاری از کارشناسان، ناآرامی‌های سیاسی در اسپانیا و اعتراض مردم به حکومت محافظه‌کار این کشور را الهام گرفته از نتایج انتخابات فرانسه می‌دانند. «آلفردو پرز روبالکابا» رهبر حزب سوسیالیست اسپانیا معتقد است که پیروزی اولاند عصر جدید و امید زیادی را برای اروپا ایجاد کرده است. به گفته «بندیکت براگان» معاون سردبیر روزانه دیلی تلگراف راست‌ها در اروپا به‌واسطه پیروزی اولاند ضربه خورده و چپ‌ها از این اتفاق مسرور شده‌اند. این امر محرکه‌های سیاست در اروپا را به شیوه‌های مؤثر تغییر خواهد داد. در دوبلین به اعتقاد «ایمون گیلیمور» معاون نخست‌وزیر روشن است که با انتخاب اولاند تعداد درحال افزایشی از متحدان در اروپا شکل گرفته‌اند که با دیدگاه‌های وی موافق‌اند.^(۲۴)

به‌طور کلی، پیروزی اولاند در انتخابات که به‌واسطه اتخاذ راهبردهایی چون مخالفت با سیاست ریاضت اقتصادی صورت گرفت شرایط دشواری را برای



حکومت‌های محافظه‌کاری که از این سیاست طرفداری می‌کردند به‌وجود آورده است. این امر ناشی از افزایش نارضایتی افکار عمومی از سیاست‌های ریاضتی در هریک از این کشورهاست. دولت هلند که به شدت از سیاست ریاضت حمایت می‌کرد فروپاشید. نخست‌وزیر انگلیس در انتخابات محلی بریتانیا شکست بدی خورد. حزب آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان در انتخابات آلمان شکست خورد و رأی‌دهندگان در یونان کاندیداهایی را که با سیاست‌های ریاضتی مخالف بودند انتخاب کردند.^(۲۵)

این امر نشان داد که موج اعتراض‌های عمومی به سیاست‌های اقتصادی و حاکمان راست‌گرا و محافظه‌کار در اروپا پس از انتخاب اولاند به‌شدت تقویت شده است. این وضعیت آینده حکومت‌هایی که در اروپا حامی سیاست ریاضت اقتصادی‌اند را با ابهام‌های فراوانی مواجه کرده است.

تأثیرات بر سیاست خارجی

درخصوص تأثیرات روی کار آمدن اولاند بر سیاست خارجی فرانسه می‌توان گفت که احتمالاً او نیز همچون بسیاری از رؤسای جمهوری سابق این کشور ردپای ژنرال دوگل را در این عرصه دنبال خواهد کرد. عناصر یک چنین سیاست خارجی عبارتند از: تمرکز بر نقش فرانسه در جهان، تأکید بر اروپا و روابط دوپهلو با آمریکا.^(۲۶)

در مورد روابط با آمریکا، بسیاری از کارشناسان بر این اعتقادند که پیروزی اولاند می‌تواند روابط استراتژیک و مستحکم دو کشور در دوره ریاست‌جمهوری سارکوزی را تحت تأثیر قرار دهد. سارکوزی یک متحد نزدیک آمریکا در بسیاری از

حوزه‌ها از جمله ایران، افغانستان و انقلاب‌های خاورمیانه بود. وی اروپاگرایی را با آتلانتیک‌گرایی در تضاد نمی‌دانست و سعی می‌کرد که با برقراری پیوند نزدیک با آمریکا و نیز تقویت همگرایی اروپایی به نوعی میان این دو ارتباط برقرار کند.

با پیروزی اولاند و احتمال تقویت عناصر گلیستی در سیاست خارجی فرانسه می‌توان انتظار داشت که از سطح همراهی و همسازی این کشور با آمریکا کاسته شود. درخصوص ناتو که سارکوزی تأکید زیادی بر همراهی با آمریکا در مورد آن داشت، موضعی ازسوی اولاند اتخاذ شده که می‌تواند بر روابط با ایالات متحده تأثیرگذار باشند. وی مخالف همگرایی مجدد فرماندهی نظامی ناتو و بازگشت فرانسه به ساختارهای فرماندهی این اتحادیه که در سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد، بوده و خواستار ارزیابی این اقدام براساس الگوی هزینه - فایده شده است. اولاند معتقد است که تصمیم دولت سارکوزی در این زمینه به افزایش نقش فرانسه در اتحادیه ناتو منجر نشده و مزیتی برای راهبردهای دفاعی اتحادیه اروپا به همراه نداشته است. همچنین موضع دیگر اولاند مبنی بر خارج کردن نیروهای فرانسوی از افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۲ علیرغم میل و درخواست آمریکا، موضوع دیگری است که نشان می‌دهد فرانسه در دوران جدید به تبعیت کامل از سیاست‌های آمریکا به نحوی که در دوران سارکوزی رواج داشت تمایل ندارد. البته این امر به معنای استقبال فرانسه از ورود به دوره‌ای پرچالش از روابط با ایالات متحده و استقبال از تشدید اختلاف با این کشور نخواهد بود. در بهترین حالت، روند فاصله گرفتن فرانسه از آمریکا به نحوی که پاریس را از وضعیت یک «متحد تابع» و اشنگتن خارج سازد روندی تدریجی و



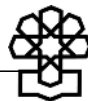
گام به گام خواهد بود. از این منظر روابط فرانسه و آمریکا با روی کار آمدن اولاند دچار تغییر رادیکالی نخواهد شد.

در حوزه اروپا اختلاف اولاند با مرکل درخصوص بحران اقتصادی اروپا به تضعیف اتحاد دو کشور که به واسطه همراهی سارکوزی با سیاست‌های اقتصادی صدر اعظم آلمان به شدت تقویت شده بود منجر خواهد شد. نگاهی به مواضع انتخاباتی اولاند نشان می‌دهد که وی خواستار احیا و بازسازی موضع قوی فرانسه در روابط با آلمان است. رهیافت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت اولاند نسبت به مرکل می‌تواند نشانه آغاز این روند بازسازی باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که اولاند به دنبال حمایت از کشورهای کوچک‌تر اتحادیه اروپا و از بین بردن جو ناخوشایندی است که در میان این کشورها درخصوص ریاست مرکل و سارکوزی بر اروپا به وجود آمده بود.^(۲۷) نتیجه کار، بهبود روابط فرانسه با این قبیل از کشورهای اروپایی خواهد بود.

در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا سیاست خارجی فرانسه در یک سال و نیم اخیر درگیر انقلاب‌های مردمی در منطقه بوده است. فرانسه در این سال‌ها همگام با آمریکا به تنظیم سیاست‌های خود در قبال این انقلاب‌ها پرداخت. یک سطح بسیار عالی همکاری درخصوص مداخله در لیبی در سال ۲۰۱۱ به وقوع پیوست.^(۲۸) دخالت گسترده نظامی فرانسه در لیبی موجب شد که بسیاری از تحلیلگران، نقش فرانسه در برخورد با تحولات منطقه را نقشی پیشگام و پیشرو بخوانند. در دوره اولاند شاید فرانسه تمایلی به ایفای نقش رهبری در برخورد غرب با تحولات منطقه نداشته باشد، اما کماکان به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه مطرح خواهد بود. مواضع و

سیاست‌های اولاند در قبال وقایع سوریه و از جمله برگزاری کنفرانس به اصطلاح «دوستان سوریه» در پاریس در اوایل جولای نشان می‌دهد که وی کم‌وبیش مایل به حفظ موقعیت فرانسه به‌عنوان یک بازیگر مهم در تحولات منطقه است.

درخصوص ایران، تمرکز فرانسه کماکان در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان خواهد بود. به احتمال قوی اولاند در برخورد با این موضوع، سیاست سختگیرانه پاریس را ادامه خواهد داد؛ البته وی درخصوص جنجال و بلوف غربی‌ها مبنی بر حمله نظامی به ایران، مواضع نسبتاً معتدل‌تری دارد، همچنین اولاند اعلام کرده است که خط قرمز او، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است. در واقع اولاند فرانسه را در اردوگاه کسانی که از فعالیت‌های هسته‌ای ایران نگرانند حفظ خواهد کرد، اما انتظار می‌رود که از لفاظی‌های افراطی علیه ایران که از سوی سلفش در سال‌های اخیر دنبال می‌شد تا حدی بکاهد. مواضع سارکوزی در مورد ایران او را حتی از لابی‌هایی که از سناریوی فاجعه‌بار ایران هسته‌ای سخن می‌گفتند رادیکال‌تر می‌کرد.^(۲۹) مواضع اولاند احتمالاً به اندازه مواضع سارکوزی افراطی نخواهد بود. با این حال وی از سیاست‌های اتحادیه اروپا در زمینه تداوم و تشدید فشارها به ایران برای متوقف ساختن بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای خود حمایت خواهد کرد.



نتیجه‌گیری

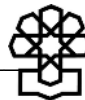
نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر فرانسه نقطه عطفی در تاریخ معادلات سیاسی این کشور به حساب می‌آید، زیرا این انتخابات پس از سال‌ها زمینه بازگشت سوسیالیست‌ها به چرخه قدرت در فرانسه را فراهم ساخت. نارضایتی مردم فرانسه از شرایط سخت اقتصادی کشور و نحوه عملکرد و مدیریت دولت سارکوزی بر اقبال عمومی نسبت به فرانسوا اولاند که بهبود شرایط زندگی را وعده می‌داد افزود و نهایتاً زمینه‌ساز جابجایی قدرت در این کشور و ورود نامزد سوسیالیست‌ها به کاخ الیزه شد. در عین حال انتخابات فرانسه از حیث پیامدهای آن برای کل اروپا از اهمیت زیادی برخوردار است. پیروزی اولاند، اتحاد فرانسه و آلمان و فرمول مشترک آنها برای نجات اقتصاد اروپا را که مبتنی بر سیاست‌های ریاضتی بود دچار فروپاشی کرد. با پیروزی اولاند، رهبران اروپا ناگزیر از تجویز نسخه جدیدی برای اقتصاد بیمار اروپا شده‌اند. با این حال، محدودیت منابع و ظرفیت‌ها و رمق پایین اقتصاد اروپا چشم‌انداز روشنی را درخصوص خروج اروپا از بحران جاری حتی با اتکا به تغییر راهبرد ریاضت، ترسیم نمی‌کند.

این امر یکی از چالش‌های مهم فراروی اولاند برای تحقق وعده‌های اقتصادی خواهد بود.

تضعیف اتحاد فرانسه و آلمان از پیامدهای قطعی ریاست‌جمهوری اولاند در فرانسه خواهد بود. در عین حال نزدیکی فرانسه به انگلیس که انتقاداتی به راهکارهای مورد حمایت آلمان برای خروج از بحران اقتصادی داشت می‌تواند سناریوی مورد

انتظار قلمداد شود. کما اینکه در جریان سفر اولاند به لندن، نخست‌وزیر انگلیس، پاریس را یک شریک حیاتی و باارزش برای کشورش خواند و برتلاش برای تقویت یک روابط پایدار و باثبات تأکید کرد. مذاکرات دوطرف در جریان این سفر از هم‌نظری آنها در این خصوص که بودجه اتحادیه اروپا نباید به سطوح غیرقابل قبولی افزایش یابد حکایت داشت.

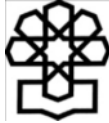
از سوی دیگر انتخابات فرانسه از آن جهت که موقعیت حکومت‌های محافظه‌کار و راست‌گرا را در کل اروپا به خطر انداخته و انرژی تازه‌ای به جان گروه‌های اپوزیسیون چپ در این قاره بخشیده بسیار حائز اهمیت قلمداد می‌شود. این امر می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی در کل اروپا را به همراه داشته باشد که ناآرامی‌های سیاسی در یونان و اسپانیا از امواج اولیه آن به حساب می‌آیند. این ناآرامی‌ها خود می‌توانند چالش‌های فراروی نجات اقتصاد اروپا را به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش دهند. تزلزل در دولت‌های مستقر اروپایی و تقویت گروه‌های مخالف و احتمال به‌قدرت رسیدن آنها، صحنه سیاسی اروپا را وارد فضای جدیدی کرده است. این امر می‌تواند متضمن شکل‌گیری ظرفیت‌های جدید در روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اروپایی باشد که ضروری است به‌طور دقیق و در حوزه‌هایی چون رایزنی با دولت‌های جدید اروپایی برای کاهش حمایت آنها از تحریم‌ها علیه ایران، مورد توجه دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده در حوزه سیاست خارجی کشور قرار گیرند.



1. Don Rose, "The Importance of the French Election to US", Chicago Daily Observer, 23 April, 2012.
۲. پیامدهای روی کار آمدن اولاند بر اقتصاد حوزه یورو، خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۱/۲/۱۶.
3. John Wyles, "How Important is France's Election?", European Voice, 19/4/2012.
4. Kieran Verboven, "4 Reasons Why The French 2012 Elections are Important to All of us", www.policymic.com
5. Leigh Thomas, "Little Respite for Sarkozy as French Economy Inches Up", Business Day, 29/3/2012.
6. David Gauthier – Villars, "French Discontent Imperils Sarkozy", The Wall Street Journal, 4 May, 2012.
7. "What Hollande's Election Means for the Euro Zone", Australian Knowledge School of Business, 15 May, 2012.
8. Zbigniew Mazur, "President Francis Hollande: French – German Relations", Bulletin, Institute for Western Affairs, May 11, 2012.
9. Annie Lowrey, "Change in Paris day May better fit U.S Economic Positions", New York Times, 7 May, 2012.
10. Elzbieta Kaca and Dorota Liszczyk, "Francois Hollande and French European Policy", Bulletin, The Polish Institute of International Affairs, No. 48, May, 2012, PP. 726-727.
۱۱. میرطاهر، رضا. اولاند و سیاست‌های جدید فرانسه، خبرگزاری تقریب، ۱۳۹۱/۲/۲۷.
12. Ibid, P. 726.
13. "Hollande: Nato Missile Defense Should Worry no one", Associated Press, 20 May, 2012.
14. "French President Leaves Open Possibility of Military Intervention in Syria", Spiegel, 30 May, 2012.
15. "No Syria Solution Possible Without Departure: Hollande", Down, 2

June, 2012.

16. John Vinocur, “Hollande and Iran”, The New York Times, 9 May, 2012.
17. Eric Gillard, “Austerity Faces Sharper Debate After European Elections”, The New York Times, 7 May, 2012.
18. Ibid.
19. Kristen Paker, “The World From Berlin: Hollande is Provoking Merkel to the Utmost”, Spiegel, 23 May, 2012.
20. Mazur, Op.cit.
۲۱. پیامدهای تشدید اختلافات بین آلمان و فرانسه بر بحران اقتصادی اروپا، سایت مؤسسه چشم‌انداز توسعه و امنیت، ۱۳۹۱/۳/۱۰.
22. Lanny Hobson, “EU Disintegration”, Examiner, 5 June, 2012.
23. Gillard, OP.cit.
24. Ibid.
25. “What Hollande’s Election Means for the Eurozone”, OP.cit.
26. Vivien Pertusot, “Defence and Foreign Policy Under President-elect Francois Hollande”, www.rusi.org.
27. Mazur, Op.cit.
28. Justin Vaisse, “Franco-American Relations after the Election of Francois Hollande”, Foundation Robert Schuman, European Issues, No. 241, 22 May 2012.
29. Arezki Daoud, “France’s New President: Foreign Policy and Where North Africa Stands”, The North Africa Journal, 9 May, 2012.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۵۱۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: پیامدهای ریاست جمهوری فرانسوا اولاند بر روند واگرایی اروپا و روابط فرآتلانتیک

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: مهدی امیری

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. اولاند

۲. فرانسه

۳. انتخابات

۴. اروپا

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۵/۲۲